

دلایل عدم انتساب قطعی مؤلف کشف الاسرار

احترام ابراهیمی

دانشجوی دکتری ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم تحقیقات نیشابور، نیشابور، ایران

دکتر جواد عباسی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی علوم تحقیقات نیشابور، نیشابور، ایران

چکیده

کشف الاسرار (تالیف ۵۲۰ هـ) یکی از تفاسیر فارسی قرآن کریم است. این اثر در ۶۲۰۰ صفحه و ۱۰ جلد است که حدود ۴۰۰۰ حدیث در آن نقل شده است. شناخت این اثر و مؤلف آن، گام بزرگی است در شناخت قرآن کریم. با شناخت نثر این کتاب به شناخت نثر خواجه عبدالله انصاری توفیق می‌یابیم زیرا اولین کسی است که در کلامش سجع دیده شده و نثر او یادآور شعر ایران پیش از اسلام است. مؤلف معتقد است با تالیف کشف الاسرار می‌خواهد فهم راز کلام خدا را بر دل مومنان بگشاید. با اینکه سنی است از بزرگان شیع با احترام خاصی نام می‌برد که در اثبات حقانیت شیعه تاثیر به‌سزایی دارد. سوال این است چه دلایلی موجب شده در انتساب این اثر به مولفش، دچار شک و تردید شوند؟ که در این مقاله دلایل ذکر شده بدین قرارند: مشخص نبودن شرح حال مؤلف، ذکر نام انصاری در مقدمه کتاب توسط مؤلف، عدم انتساب قطعی آثار دیگر مؤلف به او، پراکنده گویی او در حین نگارش کتاب، اختلاف منابع در معرفی نویسنده.

واژگان کلیدی: کشف الاسرار. عبدالله انصاری. ابوالفضل مبینی. تفسیر قرآن.

مقدمه

چنانکه مشهور است وقتی تفسیر محمدبن جریر طبری را نزد پادشاه معروف سامانیان یعنی ابوصالح منصور سامانی آوردند: "دشخوار آمد بروی خواندن این کتاب... و چنان خواست که مرین را ترجمه کنند به زبان پارسی دری" (طبری، ۱۳۵۱، ۵) امیر در شک و دودلی قرار داشت در این مورد که: "آیا کلام خدا را به زبانی جز زبان وحی و عربی می توان برگردانید؟" (همان، ص ۵). از همین کلام امیر برمی آید که تا آن تاریخ هیچ کس برای ترجمه و برگرداندن قرآن کریم به زبانی غیر از زبان وحی، اقدام نکرده بود و بدین ترتیب بود که علما ماوراء النهر فتوی دادند که برگردان قرآن کریم به زبان فارسی، اشکالی ندارد و بدینوسیله بود که اولین بار کتاب گران سنگ تفسیر محمدبن جریر طبری به فارسی دری ترجمه شد. و به دنبال آن، نگارش تفسیر به زبان فارسی معمول و مرسوم شد و مفسران بزرگ و معروفی چون خواجه رشیدالدین ابوالفضل میبیدی با خلق تفسیر معروف کشف الاسرار، رازهای کلام خدا و قرآن کریم را بر دل مومنان، گشودند. هنوز اندکی نگذشته بود که تفسیرهای مهمی چون مجمع البیان طبری، کشف زمخشری، تفسیر سوراآبادی، تفسیر فخر رازی، تفسیر خواجه عبدالله انصاری و ... به رشته تحریر درآمدند. نگارنده با بررسی آثار و منابع متعددی که حاوی اطلاعات در خصوص تفسیر بزرگ کشف الاسرار می باشند به دنبال یافتن پاسخ این پرسش است که مؤلف تفسیر کشف الاسرار کیست؟ و چه دلایلی موجب شده که در طول تاریخ، در انتساب آن به خواجه ابوالفضل میبیدی، دچار شک و تردید شوند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق این است که با معرفی تفسیر کشف الاسرار و مؤلف آن - چنانکه خواهیم گفت- که در ده جلد، بیش از ۶۲۰۰ صفحه و حاوی چهار هزار حدیث می باشد، گامی در شناخت معارف قرآنی برداشته ایم و بدینوسیله با شناخت نثر آهنگین این دوره تا حدودی به ویژگیهای شعر ایران پیش از اسلام، پی خواهیم برد.

عظمت کتاب کشف الاسرار

ابوالفضل میبدی با نگارش تفسیر کشف الاسرار، عظمت و افتخار بی شائبه‌ای در ادب فارسی آفریده است. خدمت بزرگی که او به قرآن کریم و دوستداران آن کرده است، بر کسی پوشیده نیست به همین دلیل هر بحث و تحقیقی پیرامون اثر ارزشمند او، در حقیقت تحقیق و بزرگداشت قرآن کریم به حساب می‌آید.

در این اثر بزرگ که در ده جلد و بالغ بر ۶۲۰۰ صفحه می‌باشد حدود چهارهزار حدیث نقل شده است که همه را در ذیل آیات مختلف به طرز کاملاً استادانه و مناسبی بکار برده است که از این مطلب می‌توان نتیجه گرفت او تسلط بسیار بالایی بر احادیث و کتابهای نقل حدیث داشته و احادیث زیادی را حفظ کرده است.

از مطالب تفسیری این کتاب برمی‌آید که او فقهی مسلط به فقه شافعی، مالکی، حنبلی و حنفی بوده است و شاهد این مدعا، بحث‌های فقهی مطرح شده در طی این کتاب تفسیر می‌باشد.

چنانکه می‌دانیم ابوالفضل میبدی شیعه نیست اما در کتاب کشف الاسرار، بعضی از فضایل اهل بیت (ع) و بعضی از روایات ذکر شده توسط آنها را با نهایت احترام و ادب نقل کرده است که ناگفته پیداست ذکر مناقب و فضایل اهل بیت (ع) توسط یک انسان غیر شیعه، در ترویج و تبلیغ و حقانیت شیعه اثر بسزایی دارد.

این تفسیر ارزشمند، از قدیمی‌ترین منابع احادیث و روایات است که حتی بعضی از آنها تا آن زمان در هیچ منبعی ذکر نشده‌اند، مثلاً حدیث قدسی با "كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِئاً..." (کشف الاسرار، ج ۶، ص ۴۷۷) که بعضی از اساتید گفته‌اند در کتابهای قدیم دیده نشده در این تفسیر است. " (استادی، ۱۳۷۵، ص ۱۰) و همچنین داستان پیکان در آوردن از پای امیر مومنان حضرت علی (ع) در حال نماز (کشف الاسرار، ۱۳۴۴، ص ۱۷۹) در این تفسیر یاد شده است.

معرفی کننده نثر خواجه عبدالله انصاری قبل از مغول

در عظمت تفسیر کشف الاسرار همین بس که بخش عظیمی از تفسیر و منسوب به خواجه عبدالله انصاری نثر بسیار زیبا و جذاب او، در این اثر بزرگ، حفظ شده است - و چنانکه گفته

شد- نویسنده‌ی تفسیر کشف الاسرار در مقدمه کتابش می‌گوید یکی از اهداف نگارش این کتاب، شرح و توضیح و تفسیری بوده که قبل از او خواجه عبدالله انصاری نوشته است: "این کتاب شرحی است بر تفسیری که خواجه عبدالله بر قرآن کرده بود." (شمیسا، ۱۳۷۶، ص ۶۸).

پس لازم است بگوییم که: "تفسیر مزبور اولاً برای تکمیل اطلاعات ما بر سبک نگارش خواجه عبدالله انصاری بسیار گرانهاست و ثانیاً در زمره‌ی چند تفسیر که به فارسی فصیح پیش از دوره‌ی مغول تحریر شده، معدود است" (معین، ۱۳۵۶، ص ۲۹۰) و ناگفته پیداست که نقش خواجه عبدالله انصاری در سبک خاصی که در نثر فارسی بوجود آورده، چقدر مهم بوده است به این معنی که او اولین کسی بوده است که در نثر فارسی دری قرینه‌های مسجع و کلمات موزون و آهنگ دارد، آورده است چنانکه: "ظاهراً باید نخستین سجع ساز فارسی را شیخ الاسلام عبدالله انصاری (۳۹۶-۴۸۱) شمرد... تصنیف‌هایی دارد که معروف‌تر از همه مناجات‌های اوست، و این رسائل سرتاسر مسجع است" (ملک الشعرا، بهار، ۱۳۷۵، ۲۴۰).

اگر بپذیریم که معرفی و شناخت سبک خاص نثر خواجه عبدالله انصاری چقدر ما را در شناخت شعر ایران قبل از اسلام، یاری رسان خواهد بود و او چگونه سعی کرده است با سبکی که در نثر فارسی دری ابداع کرده یادگاری از شعر ایران پیش از اسلام، به فارسی زبانان هدیه کند، مشخص می‌شود که اهمیت کار نویسنده‌ی تفسیر کشف الاسرار - در شناساندن سبک خاص نثر خواجه عبدالله انصاری- چقدر است! چه دلایل محکم و مبرمی در شعر بودن کلام او نقل کرده‌اند چنانکه: "اسجاعی که خواجه عبدالله آورده است نوعی است از شعر، زیرا عبارات او بیشتر قرینه-هایی است مزدوج و مرصع و مسجع که گاهی به تقلید ترانه‌های هشت هجایی و قافیه دار عهد ساسانی سه لختی است" (همان، ۲۴۱).

ابداع خواجه عبدالله انصاری در نثر فارسی دری به حدی بوده که عده‌ای احتمال داده‌اند این سنت او در حقیقت یادگار شعر ایران پیش از اسلام باشد: "بعید نیست که خواجه عبدالله انصاری، بنا به روش صوفیان به موزون گویی و سجع پردازی پرداخته باشد ... می‌توان احتمال داد که این سنت صوفیه، یادگاری از شعر ایران پیش از اسلام بوده باشد" (شمیسا، ۱۳۷۶، ۶۲). مخصوصاً:

"نخستین کسی که در آثار او سجع دیده شد، خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱ هـ) است" (صفا، ۱۳۶۸، ۳۰).

اهمیت و ارزش کار خواجه عبدالله انصاری تا جایی بوده که عده‌ای گفته‌اند او نثر فارسی را در معانی شعر با تمام ویژگیهای آن، به کار گرفته است: "ظاهراً عبدالله انصاری نخستین نویسنده‌ای است که نثر فارسی را در بیان معانی شعری با تمام مشخصات و تکلفات آن به کار برده است" (خطیبی، ۱۳۷۵، ۱۸۶).

میراث تفسیر خواجه عبدالله انصاری را باید در تفسیر کشف الاسرار میدی جست، زیرا او در تفسیر بسیار جدی و دقیق بوده است چنانکه: "سیوطی در طبقات المفسرین از قول وی نقل می‌کند در تفسیر خویش به یکصد و هفت تفسیر رجوع کرده‌ام ... معهذا این تفسیر دقیق طولانی نیز تحریر نبود، تقریر بود، از این روست که میراث تفسیر وی را باید مخصوصاً در کشف الاسرار میدی، جست". (زرین کوب، ۱۳۶۳، ۷۴). بخصوص که اگر در سبک موزون و آهنگین کلام میدی دقت کنیم خواهیم دید که همانند سبک خواجه عبدالله انصاری، در بیشتر موارد مسجع است: "اندکی بعد از خواجه، در تفسیر مشروح و مفصلی که از میدی باقی مانده، در بسیاری از موارد آن، بندهای مسجع بکار رفته است" (صفا، ۱۳۶۸، ۳۳۴).

دلایل مشخص نبودن مؤلف تفسیر کشف الاسرار

دلایل متعددی نقل کرده‌اند که در این گفتار، به اندازه مجال سخن به ذکر بعضی از آنها می‌پردازیم. از جمله دلایل نقل شده این است که مولف تفسیر کشف الاسرار آثار متعددی نام برده است که در نگارش این تفسیر به عنوان منبع، از آنها استفاده کرده است از جمله آثاری چون: "المغازی در تاریخ، تفسیر ابوبکر نقاش، شفاء الصدور، الوفا، ابن جوزی و ... (استادی، ۱۳۷۵، ۱۰) که مولف تفسیر کشف الاسرار در صفحه‌ی ۲۵۷ جلد اول کتاب مذکور، از ابن جوزی و کتاب "الوفاء" او نام برده است، این در حالی است که تولد ابن جوزی سال ۵۱۰ هجری و وفاتش ۵۹۷ هجری می‌باشد و چنانکه می‌دانیم سال تالیف کشف الاسرار ۵۲۰ هجری است، آیا با این توضیح، کتاب الوفاء ابن جوزی می‌توانسته مورد استفاده میدی قرار گرفته باشد؟

با مراجعه به نسخه‌های خطی کشف الاسرار که بیش از ۵۰ نسخه موجود است، به این نتیجه می‌رسیم که هیچ کدام تاریخ تحریر قبل از ششصد و شصت ندارند و همین مسئله نیز موجب شده که در انتساب به میبدی جای شک و تردید باشد.

ذکر نام انصاری در مقدمه تفسیر کشف الاسرار

از دیگر دلایلی که موجب شده نوشتن کتاب کشف الاسرار را به شخص دیگری از جمله خواجه عبدالله انصاری نسبت دهند این بوده است که خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶-۴۸۱ هـ) آثار فراوانی به عربی و فارسی دارد و تفسیری از قرآن مجید از او نام برده‌اند که اکنون در دست نیست، مولف تفسیر کشف الاسرار در آغاز کتابش چنین آورده: "فانی طالعت کتاب شیخ الاسلام عبدالله بن محمد بن علی الانصاری قدس الله روحه، فی تفسیر القرآن، رأیته قد بلغ حد الاعجاز غیراًئه او جز غایه‌الایجاز و سلک فیہ سبیل الاختصار" (انزایی نژاد، ۱۳۷۱، ۱۵).

که احتمالاً همین یاد شدن نام انصاری در دیباچه تفسیر میبدی موجب اشتباهات زیادی شده است از جمله این که تفسیر کشف الاسرار را به خواجه عبدالله انصاری نسبت دهند و اشتباه دیگر اینکه میبدی را از شاگردان خواجه عبدالله انصاری بدانند در حالی که با توجه به تاریخ شروع نگارش کشف الاسرار که مولف در مقدمه کتاب خود می‌نویسد (۵۲۰ هـ) یعنی ۳۹ سال بعد از وفات خواجه عبدالله انصاری، پذیرفتن درک حضور و شاگردی و استادی حضوری این دو نفر، چندان آسان نمی‌نماید: "احتمال اینکه میبدی از معاصران و تلامذه خواجه عبدالله انصاری می‌باشد بعید به نظر می‌رسد، زیرا او به گونه‌ی شخصی در گذشته نام می‌برد و به دعاهایی چون قدس الله روحه و رحمه الله از مقتدای خود یاد می‌کند" (وبلاگ بشنیغان، گردآوری احمدعلی نیک زر).

عدم انتساب قطعی آثار به میبدی

با مراجعه به منابع مختلف در باب شرح حال رشیدالدین میبدی، پی می‌بریم که در باب شرح حال و سوانح زندگی او اطلاع دقیقی در دست نیست چنانکه: "اطلاعات ما در احوال رشیدالدین

ابوالفضل میبدی مؤلف لطیف نویس تفسیر گرانقدر کشف الاسرار و عدهٔ الابرار تصنیف سال ۵۲۰ و معروف به تفسیر انصاری بسیار ناچیز است" (ایرج افشار، ۱۳۴۶، ۱۹۰).

چنانکه معروف است غیر از کشف الاسرار، سه اثر دیگر نیز به ابوالفضل میبدی نسبت داده‌اند که انتساب هیچ کدام قطعی نیست: ۱- الاربعین که در کتاب کشف الاسرار از آن یاد شده است. عده‌ای در انتساب این اثر به میبدی شک کرده‌اند بدین معنی که آنها احتمال داده‌اند عبارتی که در آن اربعین آمده است از خواجه عبدالله انصاری باشد، چنانکه آقای دکتر زرین کوب این کتاب را از آثار خواجه عبدالله انصاری دانسته و معتقد است: "کتاب الاربعین مجموعه‌ای از احادیث نبوی است که در طی ابواب مختلف مشتمل است بر عقاید و آراء شیخ [عبدالله انصاری] و به نظر می‌آید شیخ آن را اندکی بعد از ۴۵۶ تحریر کرده باشد" (زرین کوب، ۱۳۶۳، ۷۶). و "این کتاب را دکتر مولایی به خواجه عبدالله انصاری نسبت داده است" (انزایی نژاد، ۱۳۷۱، ۱۷). همچنین برای اطلاعات بیشتر می‌توانیم مراجعه کنیم به طبقات الصوفیه ص ۱۸۹.

۲- طبقات الصوفیه که ترجمه و تهذیب طبقات الصوفیه ابوعبداله الرحمن سلمی است. این اثر که از آثار خواجه عبدالله انصاری است: "این کتاب تقریر و امالی است نه تالیف مستقلی، از این روست که ابن رجب در طبقات الحنابله آن را به عنوان مجالس تذکیر شیخ یاد می‌کند که به فارسی است و آن را یک تن از شاگردان وی (ابوالفضل میبدی) جمع و تحریر کرده است." (زرین کوب، ۱۳۶۳، ۷۸). شاید شباهت عبارات آن با برخی از عبارات کشف الاسرار باعث شده که آن را به میبدی نسبت دهند و این شباهت به خاطر آن است که در کشف الاسرار هم - چنانکه مذکور افتاد- از تفسیر عرفانی خواجه عبدالله انصاری مطالب فراوانی نقل شده است.

۳- الفصول، فقط یک نسخه از آن در دست می‌باشد که بر همان اساس چاپ شده است. در ابتدا این نسخه چنین آمده است: "صنعه الشيخ الامام الاستاذ ابوالقاسم... استخراج الشيخ الامام الحافظ رشيدالدين ابوالفضل... که مقصود از استخراج به درستی مشخص نیست و عده‌ای از صاحب نظران گفته‌اند منظورش این بوده که آن را ترجمه کرده است نه تالیف.

پراکنده گویی سال تألیف کشف الاسرار، از متن آن

یکی از دلایلی که موجب شده، انتساب این اثر، مورخان را دچار شک و تردید کند این است که در جای جای این اثر، سال نگارش آن، متفاوت ذکر شده است چنانکه با مراجعه به متن آن چنین می‌خوانیم: "و اینک امت محمد پانصد و اند سال گذشت و ... بنگر پس از پانصد سال" (مبیدی، ۱۳۴۴، ۱۹۵). در جلد ۳ چنین آمده: "لاجرم پانصد سال گذشت تا این قرآن در زمین میان خلق است" (همان، ۱۳۹). همچنین: "لاجرم بنگر پس از پانصد و اند سال رکن دولت شرع محمدی که چون عامر است" (همان، ۱۳۹). در جلد ۵ چنین می‌خوانیم: "ششصد و اند سال گذشت تا هزاران دشمنان از این زندیقان و خصمان کوشیدند تا در نثر آن طعنی زنند" (همان، ۶۳۶). در جلد ۹: "پس از پانصد و اند سال تباشیر صبح روز دولت شریعت او تابنده" (همان، ۱۴). چنانکه ملاحظه می‌شود در پنج مورد ذکر شده یک بار سال پانصد را نقل کرد، یک بار سال ششصد و اند و در سه جا نیز سال پانصد و اند را بر زبان آورد که با این تفاوت فاحش تاریخ‌های نقل شده، جای تأمل دارد.

اختلاف منابع در ذکر مؤلف کشف الاسرار

از دیگر علل نامشخص بودن مؤلف کشف الاسرار این است که از دیرباز منابع اطلاع رسان به درستی و صحت مطالب را نقل نکرده‌اند، مثلاً حاج خلیفه در کشف الظنون در معرفی کتاب مذکور، چنین آورده: "کشف الاسرار و عدّه الابرار تفسیر فارسی للشیخ العلامة سعدالدین مسعود بن عمدالتفتازانی" (حاج خلیفه، ۱۳۳۹، ۱۴۸۷) و در مجله یغما این طور آمده: "متاسفانه اطلاعی در باب حیات و ترجمه احوال ابوالفضل رشیدالدین میبیدی نداریم (آقای حکمت بعد از توضیحات مفصل می‌نویسد) به این عقیده رسیدم که ظاهراً مؤلف کشف الاسرار فرزند شیخ جمال الاسلام می‌تواند باشد" (ایرج افشار، ۱۳۴۰، ۳۱۲). در مجله دانش چنین می‌خوانیم: "چنین به نظر نگارنده رسید که مؤلف کشف الاسرار و عدّه الابرار معهود، همانا امام رشیدالدین میبیدی مذکور در کشف الظنون است" (محیط طباطبایی، ۱۳۲۸، ۱۹۴). و به دنبال آن، چنین نقل می‌کند: "بدین ترتیب قصه کتاب خواجه عبدالله انصاری و یا کشف الاسرار و عدّه الابرار تفتازانی پایان گرفت و

به نگارنده مسلم شد که (کتاب مذکور) تقریباً چهل سال پس از وفات خواجه انصاری و دوست سال پیش از تولد تفتازانی، توسط یک عالم عارف مفسر میبدی، تالیف شده است" (همان، ۱۹۹). و سرانجام آقای دکتر صفا چنین آورده‌اند: "به سال ۵۲۰ هجری یکی از صوفیان به نام رشیدالدین ابوالفضل ابن ابی سعید احمد بن محمود المیبدی تفسیری عظیم ترتیب داد به نام کشف الاسرار و عدّه الابرار" (صفا، ۱۳۷۰، ۲۵۷). و قریب به همین مطلب در صفحه ۲۸۴ تاریخ ادبیات ایران، از سنایی تا سعدی آمده است.

نتیجه گیری

تفسیر کشف الاسرار، از بزرگترین تفاسیر فارسی قرآن کریم است. این اثر از چند نظر حائز اهمیت است، یکی اینکه ۶۲۰۰ صفحه در ده مجلد است و حاوی چهارهزار حدیث است. با اینکه مفسرش سنی است از بزرگان شیعه روایات و سخنانی در نهایت ادب و احترام نقل کرده است که در اثبات حقانیت شیعه تاثیر بسزایی دارد. دیگر اینکه شناخت این اثر می‌تواند کلید درک نشر خواجه عبدالله انصاری باشد. (یعنی کسی که اولین بار سجع در نثرش دیده شده است). که خود گویای ارزش میراث شعر ایران پیش از اسلام است. دلایل متعددی موجب شده که معرفی مؤلف این اثر بزرگ با شک و تردید همراه باشد. بطوری که گاه آن را به خواجه عبدالله انصاری نسبت داده‌اند، گاه به تفتازانی و گاه به شخصی که اهل هرات بوده. شواهد تاریخی (مثل الوفاء ابن جوزی)، مراجعه به تاریخ تحریر ۵۰ نسخه خطی موجود از این اثر، ذکر نام انصاری در مقدمه کتاب توسط مؤلف، عدم انتساب قطعی آثار دیگر مؤلف کشف الاسرار به او، نبودن اطلاعات دقیق شرح حال نویسنده کشف الاسرار، پراکنده گویی مؤلف حین نگارش کتاب، اختلاف منابع اطلاع رسانی در معرفی نویسنده کشف الاسرار (مثلاً حاجی خلیفه آن را به تفتازانی نسبت داده، آقای علی اصغر حکمت به فرزند شیخ جمال الاسلام و محیط طباطبایی به میبدی) از جمله دلایلی هستند که در این مقاله ذکر شده‌اند.

منابع

- ۱- ادوارد براون، تاریخ ادبیات ایران، از فردوسی تا سعدی، ۱۳۶۸، انتشارات مروارید، تهران.
- ۲- استادی، رضا، مجله کیهان اندیشه (فروردین و اردیبهشت)، ۱۳۷۵، شماره ۶۵، انتشارات موسسه کیهان.
- ۳- انزایی نژاد، رضا، گزیده تفسیر کشف الاسرار، ۱۳۷۱، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- ۴- ایرج افشار، مجله یغما، ۱۳۴۰، سال چهاردهم، تهران.
- ۵- _، مجله یغما، تیره ۱۳۴۶، سال بیستم، تهران.
- ۶- حاجی خلیفه، کشف الظنون، جلد ۷، ۱۳۳۹، چاپ افست، مطبوعه اسلامیه، تهران.
- ۷- خطیبی، حسین، فن نثر در ادب پارسی، ۱۳۷۵، انتشارات زوآر، تهران.
- ۸- زرین کوب، عبدالحسین، جستجو در تصوف ایران، ۱۳۶۳، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۹- شمیسا، سیروس، سبک شناسی نثر، ۱۳۷۶، نشر میترا، تهران.
- ۱۰- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، (از میانه قرن پنجم تا آغاز قرن هفتم)، ج ۲، انتشارات فردوس، تهران.
- ۱۱- _، تاریخ ادبیات ایران (خلاصه جلد اول و دوم)، ۱۳۶۸، انتشارات ققنوس، تهران.
- ۱۲- _، مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی، ۱۳۶۸، انتشارات ققنوس، تهران.
- ۱۳- طبری، محمدبن جریر طبری، ترجمه تفسیر طبری، به تصحیح حبیب یغمایی، ۱۳۵۱، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴- محیط طباطبایی، محمد، مجله دانش، سال اول، شماره چهارم، ۱۳۲۸، تهران.
- ۱۵- معین، محمد، مجموع مقالات، ج ۲، ۱۳۶۷، موسسه انتشارات معین، تهران.
- ۱۶- ملک الشعراء بهار، محمدتقی، سبک شناسی، ج ۲، ۱۳۷۵، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۱۷- میدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدّه الابرار، تصحیح علی اصغر حکمت، ۱۳۴۴، ج ۲، ج ۱، کتابفروشی ابن سینا، تهران.

